

An Examination of Iran's Accession to the Shanghai Cooperation Organization Based on the Principle of *Nafy Sabil*'

Sajjad Hemmati Boroujeni

M.A. Student in Islamic Studies and Political Science (International Relations),
Imam Sadiq University, Tehran, Iran.
sahebtam@chmail.ir



Abstract

The principle of nafy sabil (denial of domination) is one of the key foundations of the Islamic Republic of Iran's foreign policy. It asserts that non-believers should not hold authority over Muslims and that their influence and domination must be prevented. Over the past two decades, the issue of Iran's membership in the Shanghai Cooperation Organization (SCO) has been raised repeatedly. However, since many of the member states of this organization are non-Muslim, concerns have emerged regarding whether Iran's membership could contradict the principle of nafy sabil. Nevertheless, the findings of this study indicate that joining the SCO does not necessarily violate this principle. However, it is crucial for policymakers and foreign affairs officials to exercise vigilance and adopt proper strategies to ensure that this membership does not become a gateway for Eastern powers to gain influence over Iran. This research is based on a library method, drawing on credible sources and expert opinions in the field. Through a comparative study of the provisions of the

1. **Cite this article:** Hemmati Boroujeni, S. (2023). An examination of Iran's accession to the Shanghai Cooperation Organization based on the principle of nafy sabil. *Fiqh and Politics*, 4(7), pp. 171-187. [In Persian]. <https://doi.org/10.22081/ijp.2025.68778.1045>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). * **Type of article:** Research Article

▣ **Received:** 2025/03/22 • **Revised:** 2025/04/22 • **Accepted:** 2025/07/15 • **Published online:** 2025/09/07

Shanghai Cooperation Organization treaty and the Islamic legal principle of nafy sabil, this study aims to provide a comprehensive analysis. It is categorized as applied research.

Keywords

Shanghai Cooperation Organization, principle of nafy sabil, Iran, independence, China.





دراسة حول انضمام إيران إلى منظمة شنغهاي للتعاون في ضوء قاعدة "نفي السبيل"

سجاد همتي بروجني

طالب ماجستير في المعارف الإسلامية والعلوم السياسية، مجال العلاقات الدولية، جامعة الإمام الصادق عليه السلام، طهران.
Email: sahebtaam@chmail.ir



الملخص

تُعَدُّ قاعدة نفي السبيل من الركائز الأساسية في السياسة الخارجية للجمهورية الإسلامية الإيرانية، حيث تشدد على وجوب منع الكفار من الهيمنة على المسلمين، وصدِّ نفوذهم وسلطانهم. وفي العقدین الأخيرین، طُرِحَ موضوع انضمام إيران إلى منظمة شنغهاي للتعاون بشكل متكرر. بيد أن كون العديد من الدول الأعضاء في هذه المنظمة غير مسلمة قد أثار مخاوف بشأن احتمال تعارض هذه العضوية مع قاعدة نفي السبيل. مع ذلك، نتأجج هذه الدراسة تُظهر أن الانضمام إلى منظمة شنغهاي للتعاون لا يتعارض بالضرورة مع هذه القاعدة الفقهية. بالطبع، من الضروري أن يتخذ الحكام والساسة في مجال السياسة الخارجية الدقة والتدابير اللازمة لضمان ألا تتحول عضوية هذه المنظمة إلى فرصة لنفوذ القوى الشرقية. في هذا البحث، الذي أُجْرِيَ بالطريقة المكتبية واستفاد من المصادر الموثوقة وآراء الخبراء في هذا المجال، تم إجراء دراسة مقارنة لمضمون ميثاق منظمة شنغهاي

١. الاستناد إلى هذه المقالة: همتي بروجني، سجاده. (١٤٠٢هـ). دراسة حول انضمام إيران إلى منظمة شنغهاي للتعاون في ضوء قاعدة "نفي السبيل". الفقه والسياسة، ٤(٧)، صص ١٧١-١٨٧.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2025.68778.1045>

□ نوع المقالة: بحثية محكمة، الناشر: مكتب إعلام الإسلامي في حوزة قم (المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران) © المؤلفون

□ تاريخ الإستلام: ٢٠٢٤/٠٣/٢٢ تاريخ التعديل: ٢٠٢٥/٠٤/٢٢ تاريخ القبول: ٢٠٢٥/٠٧/١٥ تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/٠٩/٠٧

للتعاون مع القاعدة الفقهية "نفي السبيل"، مع السعي لتقديم تحليل شامل. يُصنف هذا البحث ضمن فئة الأبحاث التطبيقية.

الكلمات المفتاحية

منظمة شنغهاي للتعاون، قاعدة نفي السبيل، إيران، الاستقلال، الصين.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



بررسی الحاق ایران به پیمان شانگهای براساس قاعده نفی سیل^۱

سجاد همتی بروجنی

دانشجو، کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی گرایش روابط بین الملل، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران.
Email: sahebttam@chmail.ir.



چکیده

قاعده نفی سیل، به عنوان یکی از اصول مهم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تأکید می کند که کافران نباید بر مسلمانان سلطه داشته باشند و باید مانع نفوذ و تسلط آنها شد. در دو دهه اخیر، موضوع عضویت ایران در سازمان همکاری های شانگهای به طور مکرر مطرح شده است. این در حالی است که بسیاری از کشورهای عضو این سازمان غیرمسلمان هستند؛ این مسئله نگرانی هایی را درباره ارتباط میان عضویت ایران در این سازمان و نقض قاعده نفی سیل ایجاد کرده است. با این حال، یافته های این پژوهش نشان می دهد که عضویت در سازمان همکاری های شانگهای، لزوماً ناقض این قاعده نیست. البته ضروری است حکمرانان و سیاستمداران حوزه سیاست خارجی دقت و تدابیر لازم را اتخاذ کنند تا پیوستن به این سازمان به فرصتی برای نفوذ قدرت های شرقی تبدیل نشود. این پژوهش به شیوه کتابخانه ای انجام شده و از منابع معتبر و نظرات کارشناسان این حوزه بهره گرفته است. همچنین، ضمن مطالعه تطبیقی مفاد پیمان سازمان همکاری های شانگهای با قاعده فقهی نفی سیل، تلاش شده تا تحلیل جامعی ارائه شود. پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کاربردی محسوب می شود.

کلیدواژه ها

سازمان همکاری شانگهای، قاعده نفی سیل، ایران، استقلال، چین.

۱. **استناد به این مقاله:** همتی بروجنی، سجاد. (۱۴۰۲). بررسی الحاق ایران به پیمان شانگهای براساس قاعده نفی سیل. فقه و سیاست، ۴(۷)، صص ۱۷۱-۱۸۷.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2025.68778.1045>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۳ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۲/۲۱ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۰ • تاریخ آنلاین: ۱۴۰۴/۰۶/۱۶

از سال‌ها قبل اسم سازمان همکاری شانگهای در محافل و اخبار مختلف شنیده می‌شد. در طول دو دهه گذشته ایران خواستار عضویت در این سازمان بود و در داخل و خارج بحث‌های مختلفی در این باره شده که پیوستن ایران به این سازمان مخالف اصول سیاست خارجی و شرع اسلام است که ایران به آن پایبند است، در کنار این، بسیاری هم مدافع پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای بودند و هیچ تناقضی بین پیوستن ایران با اصول سیاست خارجی مثل نه شرقی نه غربی و اصول شرع مقدس اسلام نمی‌دیدند. از زمان تأسیس سازمان همکاری شانگهای، کشورهای مختلفی تقاضای عضویت در آن را داشتند و برخی مثل ایران پذیرفته و برخی هم درخواستشان رد شده است. همچنین آرایش نظام جهانی و روند روبه‌رشد کشورهای شرق و افول هژمونی غرب و آمریکا باعث جلب توجهات به این سازمان شده است. کشور جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی دچار تغییر در ارزش‌ها و اصول خود شده که این امر در سیاست خارجی آن نیز منعکس شده است، پس باید در قبال عضویت و یا عدم عضویت به این سازمان، موضع خود را به‌نحوی که به ارزش‌ها و اصولش خدشه‌ای وارد نشود مشخص سازد. اهمیت دیگر پرداختن به این مباحث رویکرد نگاه به شرق دولت سیزدهم است که پیوستن به این سازمان در همین راستا ارزیابی می‌شود. همچنین با توجه به موج مباحث جهانی شدن و منطقه‌گرایی ایران نیز باید تا جایی که اصول و احکام شریعت مقدس اسلام اجازه می‌دهد با دیگر کشورها ارتباط داشته و موضع خود در قبال پیمان‌ها و سازمان‌ها را تعیین سازد. به‌طور مشخص سعی بر این است که تعارض و تقابل با قاعده نفی سبیل بررسی شود. روش تحقیق در اینجا روش کتابخانه‌ای و کمک‌گرفتن از سایر متون و پژوهش‌هاست و از نوع تحقیقات کاربردی است. سؤالاتی که در پی پاسخ به آنها هستیم اینست که آیا عضویت در سازمان همکاری شانگهای مخالف قاعده نفی سبیل است یا خیر؟ آیا الحاق جمهوری اسلامی ایران به سازمان همکاری شانگهای نقض‌کننده استقلال و حاکمیت حکومت است؟ عضویت ایران در این سازمان برای ایران منفعت دارد یا نوعی استعمار و بهره‌کشی از ایران محسوب می‌شود؟ بنابراین

هدف این است که با تطبیق مفاد سازمان همکاری شانگهای با اصول قاعده نفی سبیل مشخص سازیم که این سازمان مصداق خدشه‌دار شدن نفی سبیل برای جمهوری اسلامی ایران هست یا اینکه با هم تناقضی ندارند. فرضیه ما در اینجا این است که الحاق ایران به سازمان همکاری شانگهای نقض‌کننده قاعده سبیل نخواهد بود و حتی در مواردی به حفظ استقلال و حاکمیت نظام کمک خواهد کرد. تا پیش از این تحقیقات و پژوهش‌های گسترده‌ای هم درباره قاعده نفی سبیل و هم سازمان همکاری شانگهای نگاشته شده که بسیاری از آنها منابع همین پژوهش بودند اما هیچ یک به بررسی و تطبیق عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای با قاعده نفی سبیل نپرداخته بود و از این حیث این تحقیق حائز اهمیت و نوآوری است.

۱. چارچوب نظری

۱-۱. قاعده نفی سبیل

قاعده نفی سبیل از قواعد مهم فقهی مورداستفاده در سیاست خارجی و ارتباط کشورهای مسلمان است. نفی سبیل قاعده‌ای فقهی است، به این معنا که خداوند هیچ حکمی وضع نمی‌کند که سبب تسلط کافران بر مؤمنان شود (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، صص ۱۸۷-۱۸۸). به گفته عمید زنجانی، این قاعده از قواعد فقهی مهم و شناخته شده است که به ویژه در فقه اقتصادی و فقه سیاسی، در همه روابط فردی و اجتماعی بین مسلمانان و غیرمسلمانان، به عنوان قانونی کلی جریان دارد (عمید زنجانی، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۲۴). شیخ انصاری هم نوشته است این قاعده بر بیشتر قواعد فقهی تقدم دارد (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۴۲). قاعده نفی سبیل از احکام ثانویه است که بر احکام اولی، «حکومت» دارد؛ یعنی بر آنها متقدم است؛ به عبارت دیگر، هر حکمی اولیه‌ای که با این قانون منافات داشته باشد، باطل می‌شود (علی‌دوست، ۱۳۸۹، ص ۲۴۹؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳، ص ۲۳۴). برای مثال، طبق قاعده حلال بودن معاملات، فروش برده مسلمان به کافران جایز است؛ اما چون این معامله موجب می‌شود کافری بر مسلمانی تسلط یابد، طبق قاعده نفی سبیل باطل است. برخی با استناد به این قاعده، گفته‌اند راه هر نوع نفوذ و سلطه کفار بر جوامع اسلامی در

حوزه‌های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی باید مسدود شود. این قاعده بیانگر دو جنبه ایجابی و سلبی است که جنبه سلبی آن ناظر بر نفی سلطه بیگانگان بر مقدرات و سرنوشت سیاسی و اجتماعی مسلمانان و جنبه ایجابی آن بیانگر وظیفه دینی مسلمانان در حفظ استقلال سیاسی و از بین بردن زمینه‌های وابستگی است (زینوی‌وند و محمدی، ص ۱۶۹). در اصل ۱۵۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد، ممنوع است».

این قاعده از سنت و قرآن استنباط می‌شود و البته برخی عقل و اجماع را هم در کنار سنت و قرآن معتبر می‌دانند. با توجه به اینکه در قرآن کریم و سنت، این قاعده مورد تصریح قرار گرفته، به ذکر توضیحات همین دو مورد اکتفا می‌کنیم. در سوره نساء، آیه ۱۴۱ (آیه نفی سیبیل) آمده است: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»؛ (خداوند هرگز بر [زبان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است). به آیه چنین استناد شده است: غلبه کافران بر مؤمنان امری است که روی داده و در قرآن هم از آن سخن آمده است؛ بنابراین منظور آیه نمی‌تواند این باشد که کافران بر مؤمنان غلبه نکرده‌اند. در نتیجه منظور این است که در دین، هیچ حکمی وجود ندارد که اجازه دهد کافران بر مسلمانان سلطه یابند. (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳، ص ۲۳۴). همچنین در قرآن کریم آیات عزت که عزت را برای خدا و رسول و مومنین می‌داند دلیل دیگری برای قاعده نفی سیبیل اند، چون عزت را برای غیر مومنین ندانسته و مومن عزتمند است که نباید با تحت سطه قرار گرفتن او عزتش خدشه دار شود. شیخ صدوق از پیامبر اسلام ﷺ نقل کرده است: «الإِسْلَامُ يُعْلَوُ وَ لَا يُعْلَى عَلَيْهِ وَ الْكُفْرَانُ بِمَنْزِلَةِ الْمَوْتَى لَا يَحْجُبُونَ وَ لَا يَرْتُونَ»؛ اسلام برتری دارد و هیچ چیز بر آن برتری ندارد و کافران به منزله مرده‌اند؛ مانع از ارث دیگران نمی‌شوند و خودشان نیز ارث نمی‌برند» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۳۴). به گفته فاضل لنکرانی از مراجع تقلید، این روایت با توجه به عبارت پایانی آن (کافران مانند مرده‌اند...)، نمی‌خواهد خبر دهد که هیچ‌گاه کفر بر اسلام برتری نمی‌یابد؛ بلکه بیان‌کننده این است که هیچ حکمی در اسلام وضع نشده است که موجب برتری

کافران بر مسلمانان شود؛ یعنی همه احکام بین مسلمانان و کفار به نفع مسلمانان است (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳، صص ۲۳۷-۲۳۸).

۲-۱. اهداف و اصول

سازمان همکاری‌های شانگهای^۱، سازمانی بین‌دولتی است که با هدف همکاری‌های امنیتی تأسیس شده است. این سازمان در سال ۲۰۰۱ میلادی توسط رهبران کشورهای چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و ازبکستان تشکیل شد. به جز ازبکستان، سایر کشورها، عضو «شانگهای ۵» هستند. شانگهای ۵، سازمانی است که در سال ۱۹۹۶ میلادی تأسیس شد. این سازمان پس از عضویت ازبکستان تغییر نام داد و به سازمان همکاری‌های شانگهای مشهور شد (ابطحی، ۱۳۸۷). این سازمان نوید دهنده منطقه‌گرایی در جنوب شرق آسیا بود که از نوع سازمان‌های منطقه‌گرا و همگراست و مبارزه با تروریسم، افراط‌گرایی و جدایی‌طلبی را هدف خود اعلام نمود.

اصول اساسی و زیربنایی سازمان که اقدامات بر مبنای آن پیگیری می‌شود عبارتند از: توجه به اصول و هدف منشور ملل متحد، احترام کشورها به استقلال یکدیگر، پشتیبانی از یکپارچگی سرزمینی یکدیگر، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، عدم به کارگیری زور یا تهدید به کاربرد زور به صورت دوجانبه، برابری همه اعضا، پاسخ‌گویی به همه مسائل از راه مشورت، عدم تعهد و جهت‌گیری نکردن بر ضد کشوری دیگر، باز بودن در برابر جهان بیرونی و مشارکت با دیگر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای.

مجموعه‌ای از اصول اساسی سازمان را در سه زمینه سیاسی و امنیتی، اقتصادی و اجتماعی

می‌توان مورد بررسی قرار داد (زاهدی انارکی، ۱۳۸۵).

۱. همکاری در زمینه‌های سیاسی و امنیتی:

- اتخاذ مواضع مشترک در سیاست خارجی و اتخاذ سیاست‌های مشترک در مسائل

1. Shanghai Cooperation Organization (SCO)

منطقه‌ای و بین‌المللی؛

- اقدام مشترک در زمینه مبارزه با تروریسم، افراط‌گرایی و جدایی‌طلبی، مبارزه با قاچاق مواد مخدر، قاچاق سلاح و مهاجرت غیرقانونی؛
- همکاری در زمینه کنترل تسلیحات و خلع سلاح.
- ۲. همکاری در زمینه اقتصادی، بازرگانی و تجاری:
 - تقویت و گسترش همکاری‌های اقتصادی و منطقه‌ای؛
 - گسترش تجارت، سرمایه‌گذاری و ایجاد محیط مناسب برای رسیدن به جریان آزاد سرمایه، کالا و خدمات در کشورهای عضو؛
 - برداشتن موانع در جهت گسترش و تقویت حمل و نقل جاده‌ای؛
 - تبادل اطلاعات در زمینه‌های گوناگون؛
 - همکاری در زمینه ترانزیت انرژی؛
 - مدیریت منابع آب در منطقه.
- ۳. همکاری در زمینه اجتماعی: همکاری‌های آموزشی، ورزشی، بهداشتی، گسترش توریسم و تبادلات فرهنگی. مهمترین اهداف و وظایف سازمان همکاری شانگهای عبارتند از:
 - ۱) تقویت اعتماد متقابل، دوستی و حسن همجواری میان کشورهای عضو برای تثبیت همکاری‌های چندوجهی در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی؛
 - ۲) همکاری مشترک برای مقابله با تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی در تمام اشکال آن.
 - ۳) تشویق همکاری‌های منطقه‌ای در زمینه‌های مختلف سیاسی، تجاری، اقتصادی، دفاعی، محیط زیست، فرهنگی، علمی، فن‌آوری، آموزشی، انرژی، حمل و نقل و غیره.
 - ۴) اقدام مشترک و مشارکت جمعی برای ایجاد رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متوازن و جامع در منطقه، به‌منظور افزایش استانداردها و ارتقای شرایط زندگی در کشورهای عضو؛
 - ۵) هماهنگی رهیافت‌ها برای تعامل در اقتصاد جهانی؛

۶) تقویت همکاری با سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی؛
۷) همکاری در زمینه ممانعت از منازعات بین‌المللی و حل مشکلاتی که جهان در قرن ۲۱ با آن مواجه خواهد شد.

۲. اهداف ایران از پیوستن به سازمان همکاری شانگهای

ایران شعار نه شرقی نه غربی سر داد و سعی بر آن دارد تا از پیمان‌ها و سازمان‌های امنیتی بین‌المللی دوری جوید اما درباره شانگهای ایران تمایل خود به عضویت در آن را اعلام کرد و پس از اینکه از سال ۲۰۰۵ به عنوان عضو ناظر بود سرانجام در سال ۱۴۰۰ شمسی توانست عضو رسمی این سازمان شود. هدف ایران از این کار تأمین امنیت و منافع ملی بود و با اتخاذ نگاه به شرق می‌خواست موازنه غرب کند (Vakil Sanam, pp.51-6). آنچه که ایران در شانگهای می‌جوید نوعی همکاری استراتژیک برای مقابله با فشارهای روزافزون غرب است و برخی از مواضع شانگهای در سال‌های اخیر جهت مقاومت در برابر گسترش ناتو به شرق یا سیاست‌های یکجانبه گرایانه آمریکا، این تصویر را برای ایران به وجود آورده که منافع مشترک و هم‌پوشان سیاسی - امنیتی (به خصوص) با کشورهای عضو دارد. در حالی که برای ایران اتحاد با روسیه و چین دقیقاً به خاطر عدم وجود تهدید مشترک، قابلیت عملیاتی شدن ندارد چرا که اساساً اراده مشترکی برای مقابله وجود ندارد، منافع متقابل طرفین به قدری محدود و سطحی است که احتمال توافقات گسترده امنیتی بسیار ضعیف و غیر متحمل است (بذرپور، ۱۳۸۵). پس از جنگ جهانی دوم، آمریکا تبدیل به هژمون شد اما همان‌گونه که نظریه پردازان نوگرا مشین معتقدند؛ هژمونی سازنده، ضد هژمونی است. حوادثی همچون یازده سپتامبر و انقلاب اسلامی ایران و شکست آمریکا در جنگ ویتنام و سایر حوادث از این دست چالشگر هژمونی آمریکا بودند (حاجی یوسفی و الوند، ۱۳۸۷). همان‌طور که علی اکبر ولایتی مشاور بین‌الملل رهبر معظم انقلاب که در سفر رئیس‌جمهور احمدی نژاد به شانگهای در سال ۱۳۸۶ برای شرکت در اجلاس سازمان همکاری شانگهای حضور داشت، اذعان کرد که مجموعه فعلی پیمان نیمی از جمعیت جهان و یک چهارم سرزمین‌های جهان را در

برمی‌گیرد و منابع عظیم آبی و معدنی را در اختیار دارد که اگر در کنار هم قرار گیرد به سمتی خواهد رفت که بزرگترین مجموعه قدرتی جهان را تشکیل خواهد داد. ۶ عضو این سازمان از فناوری هسته‌ای و ۴ عضو هم از تسلیحات هسته‌ای برخوردارند. دو عضو آن نیز کرسی دائم شورا امنیت را در اختیار دارند (حقیقی، ۱۳۸۸).

۳. سازمان همکاری شانگهای و قاعده نفی سیبیل

درباره اینکه سازمان همکاری شانگهای باعث نقض قاعده نفی سیبیل می‌شود یا خیر نظرات مختلف است، که برخی پیوستن به آن را کاملاً مغایر با قاعده نفی سیبیل می‌دانند و برخی هیچ تناقضی میان عضویت در این سازمان و قاعده نفی سیبیل نمی‌دانند. نظر ما بیشتر به گروه دوم که پیوستن ایران را به سازمان همکاری شانگهای نقض کننده قاعده نفی سیبیل نمی‌دانند، نزدیک است. در مجموع بدبینی گروه اول که این دو را کاملاً مغایر و متناقض با هم می‌دانند، چنان صحیح به نظر نمی‌رسد. طبق قاعده نفی سیبیل که توضیحاتش در بالا به طور مفصل بیان شد، راه سلطه‌ای برای کافر بر مسلمان نیست و مسلمانان باید عزت و استقلال خود را حفظ کنند، تدقیق در مفاد و اصول و اهداف سازمان شانگهای ما را به اینکه این سازمان برای سلطه جویی بر مسلمانان یا دیگر ملل باشد نمی‌رساند. طبق اصول سازمان همکاری شانگهای، کشورهای عضو سازمان نباید در امور یکدیگر مداخله نمایند و همدیگر را به کاربرد زور تهدید کنند و باید به استقلال هم احترام بگذارند. در هیچ‌جا این اصول موردی که نشان دهد کشورها و یا سازمان به دنبال مداخله و سلطه باشد نیست و حتی در اصول تصریح شده که احترام به استقلال و عدم مداخله مهم است (نجازاده، ۱۴۰۰). در اهداف سازمان این گونه ذکر شده که مبارزه با تروریسم، جدایی طلبی و افراطی‌گری جز اهداف سازمان هستند، که همه این موارد مثل تروریسم و افراط‌گرایی به حکومت‌ها از جمله حکومت اسلامی ضربه می‌زند و کاهش قدرت و اقتدار حکومت اسلامی زمینه سلطه جویی کفار را فراهم می‌کند که همکاری با سازمان همکاری شانگهای با مبارزه با موارد مذکور به شکل غیرمستقیم و گاه مستقیم در مواردی که این گروه‌ها خودشان از کفار و دشمنان ما

باشند به حفظ نفی سیل کمک می کند. طبق اصول سازمان تصریح به برابری اعضا موجب می شود که کشورهای قدرتمند سعی در اعمال نفوذ و سلطه بر دیگر کشورها نکنند و بخواهند آن را مشروع جلوه دهند. در زمینه همکاری های اقتصادی و تجاری سازمان جریان سرمایه و ترانزیت و تجارتي که کشورهای عضو دارند به بهبود امنیت تجاری و اقتصادی و انرژی و... آنها کمک می کند و از این طریق با ارتقا قدرت و جایگاه جمهوری اسلامی ایران دشمنان هم با احتیاط بیشتری آن را تهدید و اقدام به مقابله می کنند. در نظام بین الملل تک قطبی حاضر که آمریکا به عنوان هژمون و ابرقدرت جهانی به دنبال حفظ و گسترش قدرت خود است و اسلام را دشمن خود تلقی می کند. نزدیک شدن ایران به سازمان همکاری شانگهای که رویکرد ضدامپریالیستی و ضد آمریکایی دارد مفید خواهد بود؛ چون فشارهای بی سابقه آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران برای مداخله در تصمیمات و نظام آن روز به روز بیشتر می شود و قرار گرفتن جمهوری اسلامی در ردیف کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای باعث شکل گیری بلوکی از قدرت های شرق علیه ایالات متحده می شود و وجود چند کشور قدرتمند مثل روسیه و چین و ایران که در مقابل آمریکا موضع دارند اقدامات و تصمیمات آمریکا برای فشار به آنها را محدود می کند (توری و رحمانی موحد، ۱۳۸۸).

در کنار همه اینها مواردی هم هست که احتمال می رود از طریق آنها قاعده نفی سیل نقض شود، مثلاً یکی از زمینه های همکاری اعضا که در این سازمان است، اتخاذ مواضع مشترک در سیاست خارجی میان اعضاست، اما جمهوری اسلامی ایران به دلیل سیاست خارجی مبتنی بر شریعت خود نمی تواند طبق خواسته و اصول سیاست خارجی دیگر کشورهای سازمان که اکثراً غیر مسلمان و غیر ایدئولوژیک اند موضع بگیرد مثل دفاع از حقوق مظلوم یا در همکاری های تجاری تجارت آزاد، موجب تسلط تجاری کشورهای صنعتی و ثروتمند سازمان بر کشورهای کمتر توسعه یافته می شود. نکته دیگر وجود کشورهای قدرتمند در این سازمان است که در کنار جنبه های مثبت آن باید به این هم توجه داشت که کشور قدرتمند در نهایت به دنبال حفظ و ارتقا قدرت خود است و اگر بتواند از کشورهای ضعیف تر حتی اگر متحد و دوست او هم باشند

سوءاستفاده خواهد کرد. در سازمان همکاری شانگهای هم چین و روسیه به عنوان قدرتمندترین کشورهای سازمان هستند که تلاش آنها برای ابرقدرت شدن ممکن است به زیان سایر کشورهای ضعیف‌تر تمام شود، مثلاً درست است که در اصول سازمان به برابری همه کشورهای عضو تصریح شده اما در عمل باید دید واقعاً همه برابری را هر کدام زور بیشتری داشته باشند حرف و عمل خود را به کرسی می‌نشانند. یعنی در عین اینکه عضویت در این سازمان به تقابل و رویارویی با آمریکا کمک می‌کند و راه نفوذ او را محدود می‌کند اما از سویی هم در طرف دیگر باید مراقب بود که راه نفوذ جدیدی برای کشورهای قدرتمند شرق گشوده نشود.

نتیجه‌گیری

در نهایت با همه توضیحاتی که داده شد به نظر می‌رسد که در مجموع عضویت در سازمان همکاری شانگهای به نفع جمهوری اسلامی ایران است و نفی سبیل را که از اصول سیاست خارجی آن است نقض نمی‌کند. اما این امر در شرایطی است که ایران با حواس جمع، جلو برود چون در عین وجود بسیاری مزایا و مقابله با امپریالیسم، زمینه سلطه‌جویی قدرت‌های شرقی عضو سازمان نیز وجود دارد. پس خوش‌بینی صرف و کامل به این سازمان درست نیست، همان‌طور که بدبینی و کنار زدن و انتقاد از عضویت در این سازمان ناصواب است، ولی در شرایط حاضر ساختار نظام جهانی و سلطه‌جویی‌ها و فشارهای آمریکا و غرب قرار گرفتن جمهوری اسلامی ایران در کنار دیگر متحدان هم موضع و هم نظر که قرابت بیشتری با آن دارند در حفظ اقتدار و استقلال ایران کمک خواهد کرد. همچنین عضویت در این سازمان ایران را از انزوا و تنهایی خارج می‌سازد و ایران می‌تواند از این فرصت برای برآوردن نیازهای خود به‌جای غرب از شرق بهره‌گیرد و این امر در تأمین و ارتقا امنیت غذایی و اقتصادی و... موثر است و در صورتی کفار به کشور اسلامی چشم طمع نمی‌دوزند که با محاسبه هزینه فایده و مشاهده اقتدار آن سلطه‌جویی را پرهزینه و ناموفق بدانند.



ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- ابطحی، احسان. (۱۳۸۸). سازمان همکاری‌های شانگهای، شهروند، ۲(۶۲)، صص ۱۴-۳۳.
- انوری، حمیدرضا؛ رحمانی موحد، مرتضی. (۱۳۸۸). سازمان همکاری شانگهای چشم‌اندازی به‌سوی جهان چندقطبی (چاپ دوم). تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- بجنوردی، سیدحسن. (۱۴۱۹ق). القواعد الفقیهیه (محقق: مهدی مهریزی و محمدحسن درایتی، چاپ اول). قم: الهادی.
- بذرپور، فرزانه. (۱۳۸۵). نگاهی متفاوت به سازمان همکاری شانگهای. ماهنامه ایراس، ۳(۱۴)، صص ۱۸۷-۲۰۰.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد، الوند، مرضیه سادات. (۱۳۸۷). ایران و سازان همکاری شانگهای: هژمونی و ضد هژمونی. پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۲، سال سوم، صص ۲۲-۴۳.
- حقیقی ابوالفضل. (۱۳۸۸). ایران و سازمان همکاری شانگهای. گزارش، ۱۸(۲۰۸)، صص ۵۶-۸۸.
- زاهدی انارکی، مجتبی. (۱۳۸۵). سازمان همکاری شانگهای از تئوری تا عمل، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۴(۵۵)، صص ۹۲-۱۱۴.
- زینوی‌وند، علی؛ محمدی، کیمیا. (۱۳۹۳). قاعده نفی سبیل در اندیشه اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ۳(۳۶)، صص ۱۰۰-۱۳۰.
- شیخ انصاری، مرتضی. (۱۴۱۵ق). کتاب‌المکاسب (چاپ اول). قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- شیخ صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه (محقق و مصحح علی اکبر غفاری، چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- علی دوست. (۱۳۸۳). قاعده نفی سبیل، در مقالات و بررسی‌ها، شماره ۷۶. صص ۳-۱۱.
- عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۹۲). قواعد فقه (ج ۳، چاپ اول). تهران: سمت.
- فاضل لنکرانی، محمد. (۱۳۸۳). القواعد الفقیهیه. قم: مرکز فقه ائمه اطهار (ع).
http://ijp.isca.ac.ir

نجاززاده، نیما. (۱۴۰۰). سازمان همکاری شانگهای، حق گستر (پایگاه نشر مقالات حقوقی).

بی‌جا: بی‌چا.

Sanam Vakil, (2006), "Iran: Balancing East against West", The Washington Quarterly, 29, 4, Autumn 2006.

Shanghai Cooperation Organization, 2004/01/07, <http://www.fmprc.gov.cn/eng/topics/sco/t57970.htm>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱۸۷
فقه و
سنت

پرسی الحاق ایران به پیمان شانگهای براساس قاعده نفی سبیل